روزنه

دیپلماسی پارلمانی و نگاه به شرق

● نگاه خاص مجلس یازدهم به سیاست نگاه به شرق با مورد خاص چین اگرچه در همان روزهای نخست تشکیل آن و برقراری دیدارهای دیپلماتیک رئیس مجلس خودش را نشان داد، اما با انتخاب محسن دهنوی، نماینده اصولگرای تهران، به ریاست گروه دوستی پارلمانی ایران- چین و اشارات واضح قالیباف در ملاقات با ظریف این نگاه اصرارگونه اصولگرایان پارلمان‌نشین بیشتر هویدا شد. قالیباف نخستین سفرایی را که به حضور پذیرفت، چین و روسیه بودند؛ درحالی‌که ملاقات با سفیر یک کشور اروپایی را به دستیارش در حوزه بین‌الملل، یعنی امیرعبداللهیان، حواله داد. قالیباف در دیدارش با ظریف پیشنهاد شکل‌گیری وزارت امور خارجه و تجارت بین‌الملل و آمادگی مجلس برای بررسی و در دستور کار قراردادن این موضوع و توجه به بهره‌مندی از ظرفیت‌های دیپلماسی در شرق آسیا و آمادگی مجلس برای فعال‌سازی دیپلماسی پارلمانی خود در عرصه اقتصاد بین‌الملل را مطرح کرده است. سیدمحسن دهنوی که به‌عنوان دبیر گروه دوستی پارلمانی ایران و چین انتخاب شده، روابط میان ایران و چین را در سال‌های گذشته با وجود مبادلات اقتصادی نسبتا گسترده در حد قابل قبولی ندانسته و گفته است: «در شرایط تحریم نگاه ویژه‌ای به روابط ایران و چین داریم. روابط تجاری ایران و چین در چهار دهه گذشته براساس سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی همواره مورد توجه ویژه دولتمردان بوده است. با توجه به تحریم‌های ظالمانه آمریکایی، روابط با چین می‌تواند باعث شکست تحریم‌ها و توطئه‌های دشمنان و افزایش بسیار زیاد قدرت دو کشور در عرصه جهانی شود و ازاین‌رو در شرایط تحریم، نگاه ویژه‌ای به روابط ایران و چین داریم. این در حالی است که ریل‌گذاری و تعیین خط‌مشی دیپلماسی با وزارت خارجه است و پارلمان در این حوزه صرفا باید تسهیلگر باشد و ظرفیت‌های تعیین‌شده از سوی دستگاه دیپلماسی را افزایش دهد، نه اینکه برای سیاست خارجی نسخه‌پیچی کند. مجلس یازدهم در حالی بر تقویت سیاست نگاه به شرق تاکید دارد که متوجه نیست نگاه متعصبانه یا احساسی به شرق منهای غرب به جای اینکه حافظ منافع ملی در راستای امتیازگیری از شرق باشد، می‌تواند برعکس عمل کند. چین حریف هوشمندی است و این را خوب متوجه می‌شود که آن‌وقت می‌تواند با استفاده از این نیاز میز بازی را آرام به نفع خود

تغییر دهد. رویکرد نگاه به چین با رویکرد عقلانی باید به سمتی برود که ایران به سمت امتیازگیری از چین برود نه برعکس. انزوای اخیر آمریکا در شورای امنیت بیش از اینکه مرهون سیاست نزدیکی ما به چین یا روسیه و همراهی آنها باشد، مرهون عقلانیت در سیاست‌ورزی خارجی خود ما در عدم تخطی از مواد برجام یا خروج از آن بود. درحالی‌که برخی اعضای این مجلس و حامیان بیرونی‌شان علیه برجام بودند و همواره نوای خروج از آن را سر داده‌اند. مجلس یازدهم اگر در حوزه دیپلماسی بخواهد خارج از وحدت فرماندهی‌ای که دست وزارت خارجه است، عمل کند هم به اخلال در کار دیپلماسی کشور دامن زده و هم مخاطب بین‌المللی و خارجی را گیج خواهد کرد. نکته جالب اینکه در پژوهشی که مرکز پژوهش‌های مجلس در زمینه دیپلماسی پارلمانی انجام داده، اشاره‌ای به پارلمان چین نشده است؛ بلکه به توسعه روابط با نظام‌هایی که پارلمان در آن نقش جدی و اثرگذار دارد، اشاره شده است. در واقع اولویت دیپلماسی پارلمانی را به ارتباط با نظام‌های پارلمانی داده است؛ درحالی‌که کنگره چین برخلاف بزرگی عددی و حجمی‌اش اما در ساختار سیاسی چین نقشی فرعی دارد و حزب کمونیست و دولت ریل‌گذار اصلی‌اند؛ درواقع گفته می‌شود که اجلاس کنگره ملی تنها یک محل بحث است که در آن روی پست‌ها و مقام‌ها چانه‌زنی می‌شود. در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمده است که حتی توسعه روابط با کشورهایی که نظام پارلمانی‌شان بر مبنای رقابت دو حزب قرار دارد، اولویت بیشتری دارد؛ چون در مقایسه با نظام‌های چندحزبی ثبات سیاسی بیشتری دارند. آلبانی، بنگلادش و پاکستان، عراق، ترکیه، هند و ژاپن، آلمان، ایتالیا، انگلیس و اسپانیا ازجمله گزینه‌های پیشنهادی این گزارش‌اند که می‌توانند عمق استراتژیک مجلس را در تحولات خارجی تقویت کنند. انتخاب هریک از این کشورها هم با توجه به مزیت‌هایی بوده که برای آن برشمرده مثلا کشورهای اروپایی به واسطه استفاده از امکان لابی‌گری و نقشی که در پرونده هسته‌ای دارند، می‌توانند مورد توجه باشند. آلبانی به علت اینکه کشوری مسلمان در اروپاست، عراق به واسطه نقش احزاب شیعه در پارلمان این کشور و ترکیه به واسطه اتصال به اروپا و عضویتش در ناتو، بنگلادش و پاکستان هم بابت اینکه دو کشور پرجمعیت جهان اسلام‌اند.

به نظر می‌رسد عباس آخوندی خود را برای انتخابات ۱۴۰۰ آماده می‌کند

آخوندی به امید خاکستری‌ها؟

عکس: مجید حقدوست، مهر

علی ایوبی: کمتر از یک سال دیگر هشتمین رئیس‌جمهور تاریخ جمهوری اسلامی ایران بر مسند ریاست دولت خواهد نشست و تا آخرین روز ثبت‌نام کاندیداها برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰، گمانه‌زنی برای ورود بسیاری از سیاست‌مداران به این رقابت انتخاباتی ادامه خواهد داشت. روزنامه «شرق» در نظر دارد در سلسله‌گزارش‌هایی به افرادی (از همه طیف‌های مختلف سیاسی، از اصولگرا تا میانه‌رو و اصلاح‌طلب) بپردازد که در دوران سیاست‌ورزی خود این توان و انتظار را ایجاد کرده‌اند تا بتوانند سبد رأیی برای رفتن به پاستور داشته باشند؛ اما گاه فرصت‌سوزی‌ها و گاه ناملایمات سیاسی روزگار ما، بخت و اقبال‌شان را برای پاستورنشینی کم کرده است. در این گزارش به عباس آخوندی، وزیر سابق راه‌وشهرسازی پرداخته شده است. نخستین روزهای پاییز سال ۹۷ از وزارت راه‌وشهرسازی رفت و در اواخر پاییز نتوانست شهردار تهران شود، اما از گفت‌وگوی چند روز پیش عباس آخوندی با خبرآنلاین می‌توان حدس زد که احتمالا برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ فکرهایی در سر دارد و با شعار «ایده ایران» پا به عرصه رقابت خواهد گذاشت. اما رویکرد او با جناح‌های سیاسی و دولتمردان نشان از این دارد که راه دشواری را برای رسیدن به صندلی ریاست‌جمهوری انتخاب کرده و بعید است اجماعی برای آخوندی شکل بگیرد. او تجربه کار با دو دولت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و حسن روحانی و به قول خودش افتخار یک روز همکاری‌نکردن با احمدی‌نژاد را در کارنامه دارد. آخوندی را می‌توان مرد مجادله‌ها نیز نامید؛ چراکه معمولا با رؤسای جمهوری که کار کرده اختلاف داشته است و جدال توییتری او با سخنگوی شورای نگهبان نیز فراموش‌شدنی نیست.

عباس آخوندی کیست؟

داماد حجت‌الاسلام رسولی‌محلاتی است و باجناغ حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق‌نوری و حجت‌الاسلام شهیدی‌محلاتی، رئیس سابق بنیاد شهید. مانند اکثر آیت‌الله‌زاده‌ها در نجف به دنیا آمده، فرزند «آیت‌الله علی احمدآخوندی» است و پدرِ مادرش «علامه عبدالحسین امینی» صاحب کتاب الغَدیر است. با آنکه دوران ابتدایی تحصیلی را در نجف گذراند و بعد از آن به قم کوچ کردند، اما او ترجیح داد برای ادامه تحصیل به تهران بیاید و در دانشکده فنی تهران، مهندسی راه و ساختمان بخواند.

در همان اوایل پیروزی انقلاب در خرداد ۱۳۵۸، شهید آیت‌الله بهشتی او را برای عضویت در شورای مرکزی جهاد سازندگی پیشنهاد داد. با بهشتی بر سر عضویت در حزب جمهوری اسلامی اختلاف داشت و همین باعث شد در روز هفتم تیر که دفتر حزب منفجر شد، در تدارک مراسم عقد خود باشد و به آن جلسه نرود.

آخوندی در سال ۶۱ از طرف حجت‌الاسلام ناطق نوری که در آن زمان وزیر کشور بود به‌عنوان معاون سیاسی-اجتماعی وارد این وزارتخانه شد. در بهمن ۱۳۶۶ رئیس بنیاد مسکن شد و در سال ۱۳۷۲ در دولت دوم مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان وزیر مسکن‌وشهرسازی به مجلس معرفی شد و رأی آورد. هرچند در دوران وزارتش در چند مورد با مرحوم هاشمی به مشکل خورد. او در گفت‌وگویی دراین‌باره گفته بود:

«با ایشان {آقای هاشمی} عمدتا در بحث شهرداری‌ها اختلاف نظر جدی داشتم. دو، سه بار اختلاف نظر خیلی جدی داشتیم. به بگومگو منجر نمی‌شد. آن زمان تازه شروع به فروش قانون کرده بودند. ساخت‌وسازهای خلاف قانون و توافق‌های غیرقانونی که بین شهرداری و بنیاد مستضعفان بود که کلش بنیان قانونی نداشت. {مسئولانش} آقای کرباسچی و آقای رفیق‌دوست بودند. من به آقای هاشمی گفتم من با این کارها کلا مخالفم و اساسا فکر نمی‌کنم هیچ توسعه‌ای بر مبنای فروش قانون ایجاد شود. ممکن است چهار تا عمران اولیه صورت بگیرد و خوش‌تان بیاید؛ ولی بعدش اساسا آن شهر را با یک بی‌انضباطی مطلق مواجه می‌کند و در آینده گرفتار می‌شود». آخوندی در ادامه گفته بود: «ایشان با نظر من موافق نبود و در هر صورت از شهرداری حمایت می‌کرد. من یک‌بار گفتم آقای هاشمی شما که این‌طوری هستید، برای چه من را نگه داشتید، بگذارید من بروم؛ چون من به‌هیچ‌وجه این رویه را قبول ندارم، بگذارید یا من بروم یا دستور بدهید من هیچ‌چیزی نگویم. گفت من هیچ‌کدام این دو را نمی‌گویم. به‌هرحال چون وزیر هستی، باید بگویی و هر جا هم خلاف قانون می‌شود، باید داد بزنی. ایشان می‌گفت من به تو نمی‌گویم برو و هم نمی‌گویم نگو».

اختلافات و مجادلات دهه ۷۰ عباس آخوندی و غلامحسین کرباسچی، شاید در همان زمان ماند اما شاید در سال ۱۴۰۰ دوباره خود را نشان دهد چراکه کرباسچی این روزها دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی است؛ حزبی متمایل به اصلاح‌طلبان و مؤثر که بعید است برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال بعد برنامه‌ای نداشته باشند، اما بعید نیست به آخوندی روی خوش نشان دهند.

به هر تقدیر، عباس آخوندی بعد از پایان دولت سازندگی کار در رسانه را تجربه کرد و در سال ۷۶ به مدت یک سال قائم‌مقام علی لاریجانی، رئیس وقت صداوسیما بود. آنجا هم نماند و به انگلستان رفت و در دانشگاه «رویال هالووِی» لندن در رشته اقتصاد سیاسی دکترا گرفت.

البته پررنگ‌ترین کنش سیاسی او در سال ۸۸ رخ داد که در انتخابات ریاست‌جمهوری آن سال مشاور میرحسین موسوی و از رؤسای ستاد انتخاباتی او بود که بعد از اتفاقاتی که در آن انتخابات افتاد، در جلسه اعضای ستادهای کاندیداها با مقام معظم رهبری شرکت کرد.

آخوندی در دولت روحانی

آخوندی در مرداد سال ۹۲ از سوی حسن روحانی به‌عنوان وزیر راه‌وشهرسازی به مجلس معرفی شد و توانست رأی اعتماد نمایندگان را به دست آورد، اما سه سال طول کشید تا مجادلات او با مجلس شروع شود. نمایندگان به آخوندی روی خوش نشان نمی‌دادند و سه بار در سال‌های ۹۴، ۹۵ و ۹۶ استیضاحش کردند، اما هر بار او توانست به دولت برگردد. اما در مهر ۹۷ دولت و رئیس آن را نیز تاب نیاورد و استعفا داد. او در متن استعفای خود نوشت که حسن روحانی سه اصل «پایبندی به قانون»، «احترام به حقوق مالکیت» و «اقتصاد بازار رقابتی» را نقض کرده است. متن استعفای آخوندی نشان‌دهنده عمق اختلاف نظر او با رئیس‌جمهور را نشان می‌داد، آنجا که نوشته بود: «...درهرصورت با این سطح از تفاوت دیدگاه، از حیث اخلاقی ادامه کار من درست نیست. خواهش می‌کنم به من رخصت دهید در اولین فرصت از خدمت‌تان خارج شوم». گفته شده بود آخوندی معتقد بود باید حوزه اصلی همکاری ایران به کشورهای همسایه معطوف شود که احتمالا می‌خواهد این را در «ایده ایران» برای سال ۱۴۰۰ پیاده‌سازی کند. مجادلات و اختلافات آخوندی با حسن روحانی و اطرافیان او که خود را اعتدالی می‌نامند چنان عمیق است که اگر آنها بخواهند برای انتخابات سال بعد کاندیدایی داشته باشند، بعید است او را به عنوان نامزد نهایی خود انتخاب کنند.

مجادله با کدخدایی

او حتی سابقه جدل با سخنگوی شورای نگهبان را نیز دارد. مهر ۹۷ در نامه‌ای به علی لاریجانی، رئیس مجلس وقت نوشت: «اخیرا در جریان رسیدگی به لوایح مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، سخنگوی شورای محترم نگهبان مطلبی را اعلام داشت که جای تأمل فراوان دارد... نحوه بیان سخنگوی این شورا این‌گونه بود که گویا هیئت نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام جانشین مقام رهبری است، اختیارات ایشان را دارا و اقتدار لازم برای توقف لوایح مصوب را با وجود نظر دولت و مجلس و پس از اعلام عدم مغایرت آنها با شرع و قانون اساسی از شورای نگهبان را دارد... درواقع با این اعلام رکن جدیدی در ارکان حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران فراتر از قانون اساسی تعریف شده است که مسبوق به سابقه نیست». عباسعلی کدخدایی در توییتی جواب آخوندی را این‌گونه داد: «اطلاع از وظایف و اختیارات مجمع تشخیص مصلحت، نیازمند نامه‌نگاری به رئیس مجلس نیست. کافی است با تماس با دبیرخانه مجمع، درخواست شود آیین‌نامه اصلاحی ارسال شود. قطعا همه ابهامات برطرف خواهد شد. از وزیر راه انتظار آن است که بیراهه نرود». آخوندی هم این توییت را بی‌پاسخ نگذاشت و در کانال تلگرامی خود از سخنگوی شورای نگهبان انتقاد کرد که چرا آیین‌نامه انتشارنیافته مجمع تشخیص مصلحت را حاکم بر قانون اساسی می‌داند.

رابطه آخوندی با اصولگرایان و اصلاح‌طلبان

آخوندی معتقد به اقتصاد بازار آزاد است و رسانه‌های اصولگرا او را «جاده‌صاف‌کن لیبرالیسم» و «محروم‌ستیز» و «وزیر میلیاردی» می‌دانند. آخوندی از منتقدان مسکن مهر نیز بود که همین نشان می‌دهد چقدر افکار او با احمدی‌نژادی‌های دور است.

سال ۹۶ هم در کوران انتخابات ریاست‌جمهوری به «چالش محضر» که از سوی وزیر نفت شکل گرفته بود، پیوست تا مخالفت خود را با محمدباقر قالیباف علنی کند. قالیباف در مناظره‌های انتخاباتی گفته بود وزرای حسن روحانی ساده‌زیست نیستند که همین باعث شد تا بیژن زنگنه در ویدئویی اعلام کند: «هرچه من و خانواده‌ام داریم، به اسم آقای قالیباف می‌زنیم و ایشان هرچه دارند به اسم من بزنند». آخوندی نیز این ویدئو را در کانال تلگرامی خود قرار داد و زیر آن نوشت: «من هم ایضا».

البته خود آخوندی نیز به دوری از اصولگرایان اذعان دارد و ابایی ندارد که بگوید جزء اصلاح‌طلبان هم نیست. او سال گذشته در مصاحبه‌ای با خبرآنلاین گفته بود: «من قطعا جزء اصولگراها به معنی امروزی‌اش نیستم. جزء جریان اصلاح‌طلب به معنی سازمانی‌اش هم نیستم، بیشتر خودم را یک آدم روشنفکر می‌دانم. این برداشت به دلیل ارتباط من با آقای ناطق‌نوری بود که در آن طیف طبقه‌بندی شدم، ولی من همان وقت‌ها هم که در جهاد سازندگی و در وزارت کشور بودم، هیچ تعلق‌خاطری به جریان اصولگرایی نداشتم».

او گفته بود همه این دعواهای جناحی و سیاسی به خاطر این است که اصلا نسبت به ایران حس تعلق خاطری وجود ندارد. شاید همین نیز باعث شده تا عباس آخوندی «ایده ایران» را مطرح کند تا بتواند قشر خاکستری جامعه را به خود جلب کند.

امید به خاکستری‌ها؟

هرچند حدود یک ماه پیش یکی از نزدیکان عباس آخوندی به «انصاف‌نیوز» گفته بود که او برای انتخابات ۱۴۰۰ نخواهد آمد و نه چیزی شنیده‌ایم و نه برنامه برای حضور در انتخابات دارد. اما آخوندی در گفت‌وگویی که ۲۲ مرداد با خبرآنلاین انجام داده، تلویحا اعلام کرده که خود را برای نامزدی آماده می‌کند. او گفته: «بعد از سرخوردگی که در انتخابات مجلس در تهران رخ داد و مشارکت حدود ۲۰ درصد و در شهرهای بزرگ خیلی کم بود، بنابراین فضا خیلی منفی است. ولی ارزیابی من آن‌قدر منفی نیست. من با جوانان که صحبت می‌کنم می‌بینم حس آنها از اینکه در انتخابات مجلس مشارکت نداشته‌اند، چندان خوب نیست. چیزی گیرشان نیامده است. بنابراین می‌گویند شاید اگر ما مشارکت داشتیم بهتر بود و آن‌قدر بد نمی‌شد و من در خیلی از جوانان یک تردیدی می‌بینم... . این به این معنی نیست که آنان همین فردا آماده مشارکت هستند. این به آن معنی است که آنها کاملا سرخورده هستند ولی در پی یک بهانه برای مشارکت هستند».

آخوندی درباره ایدئال‌های یک رئیس‌جمهور خوب نیز گفته: «رئیس‌جمهور باید سیاست‌مدار باشد، نه لزوما کارشناس. وظیفه رئیس‌جمهور هماهنگی با همه است و اگر خودش را داناتر از همه بداند آغاز بدبختی است. وظیفه رئیس‌جمهور این است که حرف همه را گوش کند و از درون آن یک سیاست مورد وفاق به دست بیاورد. البته رئیس‌جمهور باید اقتصاد و امنیت و... را بفهمد ولی اگر خودش فکر کند که اقتصاددان است اول بدبختی است».

او همچنین گفته که هیچ‌کدام از کاندیداهایی که اسمشان برای ریاست‌جمهوری مطرح است چنگی به دل نمی‌زنند و به اینجا رسیده که: «...سال ۷۶ که یک ولوله‌ای رخ داد، این یک ایده جدید بود و الان که ۲۳ سال از آن گذشته است، همه می‌توانند آن را نقد کنند، الان مهم این است که آیا در ۱۴۰۰ اجازه می‌دهند که یک ایده جدید بیاید، اگر اجازه ندهند که هیچ ایده جدیدی بیاید، اتفاق خاصی نمی‌افتد... . بحث «ایده ایران» را که خود من مطرح می‌کنم یک ایده جدید است و با این ایده در ایران، یک گفتمان جدید می‌تواند شکل بگیرد. این ایده عناصر اقتصادی و سیاسی و امنیتی هم دارد. ایده ایران، فراتر از دولت رفاه است. از نظر من ایده ایران ایده‌ای است که بنیان‌های معرفتی دارد و هم تجربه تاریخی در ایجاد نظم اجتماعی اعم از نظم سیاسی و امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حتی دفاعی. مهم این است که از آن خوانش معاصر و جدید داشته باشیم».

عباس آخوندی، با ایده‌ای که به گفته خود در آن همه جوانب را در نظر گرفته، نشان داده که گوشه‌چشمی به انتخابات ۱۴۰۰ دارد اما صراحت لهجه و مجادلات او با دولت‌ها و اشخاص چقدر توانسته راه را برای او سخت کند؟ مشخص است که ایده ایران او قطعا اصولگرایان و احمدی‌نژادی‌ها و قالیبافی‌ها را همراه آخوندی نخواهد کرد و اختلافات آنان مانند روز روشن است. خود عباس آخوندی هم با اعتدالیون دچار چالش است و خروج او از دولت و متن استعفایش نشان از اختلاف عمیق آنها دارد. البته اشتراکات آخوندی با اصلاح‌طلبان بسیار است و در انتخابات سال ۸۸ تا آخرین گام همراه اصلاح‌طلبان در کنار میرحسین موسوی ماند اما درحال‌حاضر او خود را اصلاح‌طلب نیز نمی‌داند و ترجیح می‌دهد روشنفکر باشد. اما اگر اصلاح‌طلبان برای شرکت در انتخابات به توافق برسند و بتوانند کاندیداهای خود را از سد شورای نگهبان عبور دهند احتمال اینکه در نهایت درباره «عباس آخوندی» به اجماع برسند، کم است. این‌گونه به نظر می‌آید که او نیز روی هیچ جناح و گروهی حساب نکرده و با «ایده ایران» به دنبال جمع‌کردن رأی‌های خاکستری و جوانان است که اگر این باشد آخوندی راه سختی را در پیش خواهد داشت چراکه انتخابات سال گذشته مجلس نشان داد که نه تنها خاکستری‌ها بلکه خیلی از مردم شهرهای بزرگ نیز برای روز انتخابات، خانه‌نشینی را انتخاب می‌کنند.

خبر

پرونده‌های وکلای زندانی مجدد به جریان انداخته شود

● **شرق:** در یک دهه اخیر وکالت در ایران با چالش‌های مختلف مواجه بوده و وکلا با اظهارنظرهای انتقادی یا قبول وکالت برخی از متهمان امنیتی یا حتی اظهارنظر درباره وضعیت پرونده موکل خود که متهمی امنیتی بوده با برخورد قضائی مواجهه شده‌اند. هم‌اکنون برخی از آنها مانند وکیل امیرسالار داوودی که حق تجدیدنظرخواهی را نیز از خود سلب کرده بود، در حال تحمل حبس هستند که به گفته جامعه حقوقی با بررسی مجدد پرونده این افراد، با توجه به قانون کاهش حبس تعزیری امکان کاهش مدت زندان‌ها وجود دارد. جلیل مالکی، رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز، درباره وکلای زندانی در گفت‌وگویی که با ایسنا داشته، گفته است: از اینکه بعضی از همکاران ما در زندان‌های کشور حضور دارند، متأثر و ناراحت هستیم و انتظار ما از همکاران محترم قضائی این است که با همکاران وکیلی که مشمول تعقیب قضائی قرار می‌گیرند، در رسیدگی‌ها، صدور آرایی که درباره‌شان است و تمهید مقدمات حق دفاع آنها با رأفت بیشتری برخورد شود. او ادامه داد: به‌هرحال نسبت به همکارانی که محکومیت‌شان قطعی شده است و در زندان‌ها حضور دارند، امکانات دسترسی به راه‌های فوق‌العاده رسیدگی که امروزه در نظام قضائی ما وجود دارد، مثل اعمال ماده ۴۷۷ یا اختیاراتی که در اختیار مقاماتی مثل دادستان محترم کل کشور یا رؤسای دادگستری‌ها قرار دارد، استفاده شود و کمک شود در رسیدگی‌های فوق‌العاده پرونده‌های آنها مجدد به جریان بیفتد، رسیدگی مجدد و دقت بیشتری در آنها شود و در این رسیدگی‌های مجدد به آزادی این همکاران عزیز کمک شود. مالکی تصریح کرد: با توجه به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که به‌تازگی تصویب و لازم‌الاجرا شد، به نظر می‌رسد فرصت خوبی است که دوایر اجرای احکام در سازمان‌های زندان‌ها این اقدام را راجع به وکلای دادگستری در بند انجام دهند و حتما منتظر درخواست این محکومان نمانند و خواهشم این است که حالا که رویکرد قوه قضائیه بر این اساس است که تسهیلاتی درباره محکومان حبس‌های تعزیری قائل شوند، این پرونده‌ها مجدد به جریان بیفتد و در اجرای مقررات تسهیل‌کننده پرونده‌های آنها به دادگاه‌های صادرکننده حکم قطعی ارسال شود و در آنجا با دید مساعدت به آنها توجه شود و موجبات تقلیل حبس این عزیزان فراهم شود تا شاهد بازگشت هرچه زودتر آنها نزد خانواده‌شان باشیم.